



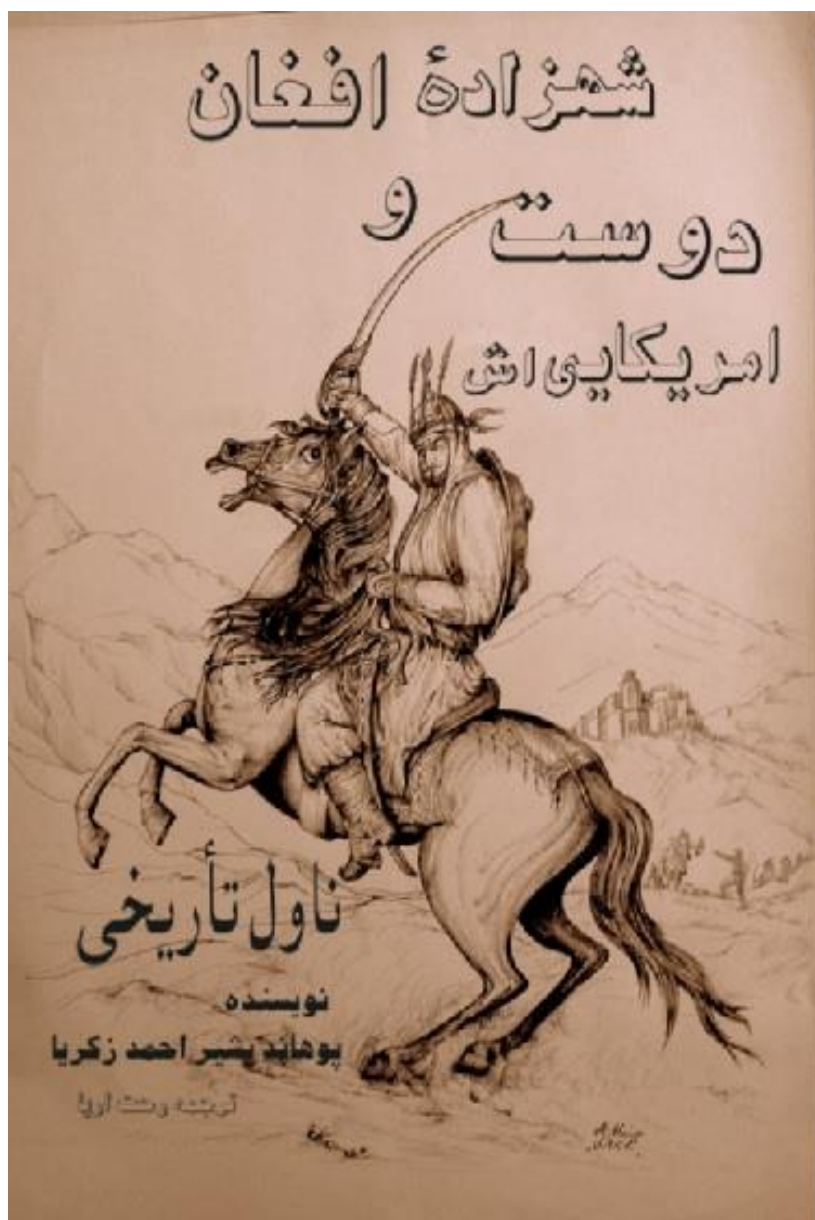
<http://www.arianafghanistan.com>



۲۰۱۷/۰۵/۲۶



پوهاند داکتر بشیر احمد زکریا



شهزاده افغان و دوست امریکایی اش

ناول تاریخی

نویسنده : پوهاند بشیر احمد زکریا

پروفیسر دایمی و مدرس خاص

پوهنتون کولمبیا



پوهاند داکتر بشیر احمد زکریا

ترجمه

رحمت آریا

یاد آوری مترجم:

بدین وسیله می‌خواهم از دو دوست بزرگوار، دانشمند و فرهیخته کشور جناب ولی احمد نوری و جناب دکتور حمید سیماب، از اولی در قسمت اصلاحات متن دری و تایپی این کتاب و از دومی در زمینه ترجمه بعضی حصص کتاب، صمیمانه ترین سپاس قلبی خود را تقدیم دارم

مقدمه

اکثریت رویداد های مندرج در این ناول تاریخی انعکاس ملاحظات شخصی من است که طی بررسی و تحقیق دریافته ام و هم دربرگیرنده مشاهدات شهود عینی و انعکاس خاطرات اشخاصیست که شرح رویداد های مذکور را در یادداشت های شخصی خود درج کرده اند. سائر رویداد های این ناول در واقع بازپرداخت حوادثی است که تاریخ نویسان بعد از تدوین و ترجمه آنرا بر مبنای مقتضیات فرهنگی و تمایلات ملی خویش بازتاب داده اند. مزید بر آن دامنه معرفت دنیای مشرق زمین مملو از روایاتیست که سینه به سینه و از یک نسل به نسل دیگر انتقال یافته اند.

چنانچه میدانید اکثریت رویداد های جنگ اول افغان - انگلیس را نویسندگان انگلیس در خاطرات خویش درج کرده اند مانند خانم نهایت شهیر انگلیس فلورنشا سیل^۱ که به نام «لیدی سیل»^۲ شهرت دارد و زوجه تونر جنرال سِر رابرت هنری سیل^۳ بود؛ لیدی سیل اکثریت خاطراتش را در دفترچه خاطرات روزانه خود نوشته است. و یا موهن لال^۴ یکی از اولین تحصیل کرده های مشهور هندی که بزبان انگلیسی تحصیل نموده و مأمور استخباراتی سر الکسندر برنس^۵ بود، موصوف همان جاسوس هندی تبار انگلیس است که کتابش را از مجموعه خاطرات خود نوشت و افتخاراً آنرا به نام علیاحضرت ملکه انگلستان^۶ اهداء نمود. دگرمن الدرد پاتنجر^۷ شخص دیگریست که با ایفاء نقش اساسی در جنگ اول افغان - انگلیس، مشاهدات و ملاحظات عینی خود را نوشته اند. یادداشت های پاتنجر به وسیله

^۱ - Florentia Sale

^۲ - Lady Sale

^۳ - Major General Sir Robert Henry Sale

^۴ - Mohan Lal

^۵ - Sir Alexander Burnes

^۶ - Her Majesty Queen of England

^۷ - Brigadier Eldred Pottinger

«پتریک مکروری»^۸ و بردارانش منصفانه و بیغرضانه چاپ شده اند، ایندو کواسه های برادری بگرمین الدرد پاتنجر اند. جیورج مکدونالد فریزر^۹ در سال ۱۹۶۵م شرح وقایع جنگ سال های ۱۸۳۹ - ۱۸۴۲م را در دفتر خاطرات یک ماجراجوی انگلیس در لیسرشایر^{۱۰} یافت که به نام «فلشمن پیپرز»^{۱۱} شهرت دارد. ولی از همه جالبتر اینکه سیاح دل به دریا زن امریکایی از ایالت پنسلوانیای امریکا به نام «جوسیا هرلان»^{۱۲} نیز کتابی را از خود به جا گذاشته است که مشاهدات عینی قابل اعتماد را ارائه می کند، این یادداشتها بوسیله یک نویسنده به نام «بن مکتایر»^{۱۳} ترتیب و طی یک کتاب به نشر رسیده است. مزید بر آن درین ناول نه تنها نوشته های تاریخی نویسنده های افغان، کشمیری، پاکستانی و هندی بلکه داستان ها و افسانه های شفاهی منوط به این شهزاده افغان که در بین خانواده های افغان شایع اند بازتاب داده شده اند.

سر انجام شایان یادآوریست که طی این ناول تاریخی سعی بعمل آمده تا دنباله رویداد های نهایت عمده سالیان ۱۸۳۹ - ۴۲ تا حد ممکن بطور دقیق بزبان داستانی انعکاس یابند. برای یکتعداد کرکتر ها نام های داستانی انتخاب شده ولی سائر نام های تاریخی دقیقاً با همان اصلیت تاریخی شان حفظ گردیده اند. نامهای مشخص بدون کم و کاست و در مطابقت با تاریخ حقیقی تا حد ممکن حفظ و به یکتعداد اسماء شکل اختصاری داده شده است؛ بدینگونه صرف چند نام مختصر شکل داستانی بخود میگیرند. در اخیر کتاب، مؤلف منابع و مأخذ خویشرا درج نموده اند. مؤلف مدعی صحت و سقم رویداد های کوچک، اسماء، محلات و یا اشخاص مشخصی نیست، که در رویداد های کوچک دخیل اند.

امتنان

مؤلف بدینوسیله امتنان خویشرا به شخصیت های ذیل که در موارد مختلف این ناول تاریخی کمک بیدریغ نموده اند تقدیم میدارد: از تاریخدان و اکادیمیسین معاصر جناب محمد اعظم سیستانی، از مترجم متبحر و شکبیا جناب رحمت آریا و از جناب دانشمند ولی احمد نوری بخاطر تصحیح متن در و نشر آن در پورتال افغان جرمن آنلاین و از جناب عبدالحی پوپلزی بخاطر طرح نقاشی تصویر نهایت عالی و قرین به واقعیت چهره سردار وزیر محمد اکبر خان در معرکه جمرود ممنون و مشکورم. سر انجام قدر دانی عمیق قلبی خود را به همسر و شریک زندگی ام بخاطر مساعدت، پیشنهاد ها و تصحیحات لازمه شان تقدیم میدارم؛ همچنان از اظهار نظریات دخترانم، فرزندانم، برادرانم و سائر اعضای خانواده زکریا بی نهایت مشکور و ممنونم. دوکتور بشیر احمد زکریا

^۸ - Patrick Macrory

^۹ - George MacDonald Fraser

^{۱۰} - Leicestershire: یکی از شهرک های محاط به خشکه انگلستان - م

^{۱۱} - Flashman Papers

^{۱۲} - Josiah Harlan

^{۱۳} - Ben Macintyre

چهار بیتی ملی

تو ای افغان فروغ مشرقستان تنفر کن ازین تهذیب افرنج^{۱۴}
نفاق و کشت و خون است این تمدن فریب و هیله را آخر بود رنج
تو ای افغان امید اهل دانش زعیم و هم نعیم و هم سخن سنج
اگر یک ملت واحد شوی زود بدست آری کلید قفل صد گنج
بیا افغان بیا بنگر جهان را بقای ملیت، موضوع جنگ است
حیات انفرادی را بقا نیست برای نفع شخصی وقت تنگ است
بیا افغان بیا ای مرد آزاد حیات انفرادی عار و ننگ است
زیی و خیل را کی می شناسد وطن از خون افغان لاله رنگ است
همه مفتون حسن اتفاق تو در فکر زیی و خیل تا کی
خراب دست خیل و فرقه جنگی نشستن در ره این سیل تا کی
بیا افغان که با هم یار باشیم برای این وطن غمخوار باشیم
زیی و خیل اکنون می نه باید بیک دل ملت هوشیار باشیم

فیضی کابلی

اهداء :

به ملت شریف افغان

پایان بخش اول

^{۱۴} - افرنج :- معرب فرنگ و فرانک است و مفرس فرانس و فرنچ معرب آن است - مراد شاعر فرنگ و یا انگلیس است - م